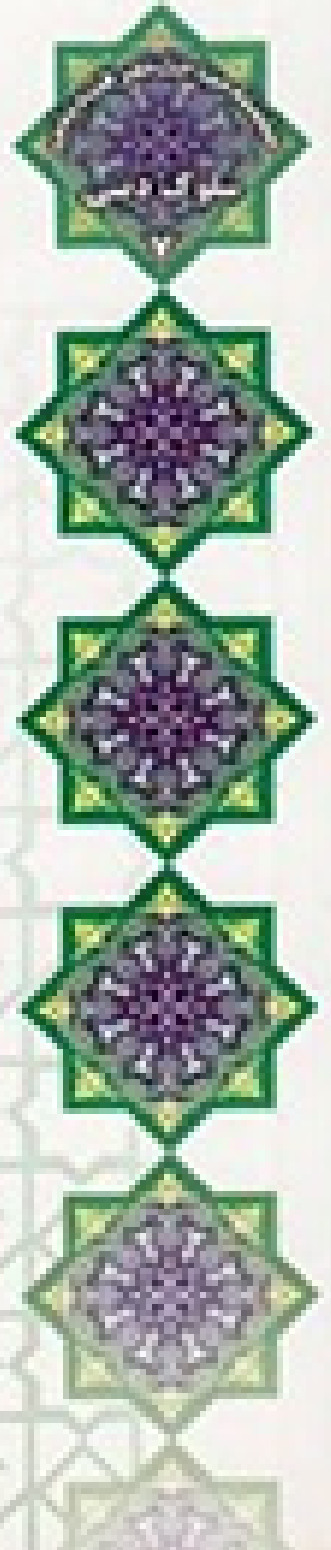


کتابخانه دارالافتاء

روزہ در کجای بہ عالم معنا

اصغر طاہر زادہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روزه دریچه ای به عالم معنا

نویسنده:

اصغر طاهرزاده

ناشر چاپی:

لب المیزان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	روزه دریچه ای به عالم معنا
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۹	فهرست مطالب
۱۲	مقدمه
۱۹	معنی بستن و بازشدن شیطان
۲۳	انتظار ما از روزه
۲۵	روزه دار شبیه خدا می شود
۲۷	برکات روزه
۲۹	روزه، گرسنگی یا بندگی؟
۳۰	تقویت تقوی
۳۳	گرسنگی؛ پذیرایی مقدس خدا!
۳۵	روزه؛ خزینه حکمت
۳۸	روزه؛ دریچه عبادت
۳۹	آزادی از وهم
۴۲	روزه؛ عامل نجات از وهم
۴۶	حداقل غذا، حداکثر قدرت
۵۴	جایگاه دعای سحر
۷۰	درباره مرکز

روزه دریچه ای به عالم معنا

مشخصات کتاب

سرشناسه : طاهرزاده، اصغر، ۱۳۳۰ -

عنوان و نام پدیدآور : روزه دریچه ای به عالم معنا/ اصغر طاهرزاده؛ ویراستار گروه فرهنگی المیزان.

وضعیت ویراست : [ویراست ۲].

مشخصات نشر : اصفهان : لب المیزان □ ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری : ۷۶ ص؛ ۱۷×۱۲ اس م.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال ۹۷۸۹۶۴۹۶۳۸۹۰۴ :

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : ویراست قبلی کتاب حاضر با عنوان " روزه دریچه ای به عالم معنی " در سال ۱۳۸۴ منتشر شده است.

یادداشت : چاپ چهاردهم.

یادداشت : کتابنامه : ص. [۷۵] - ۷۶؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : روزه دریچه ای به عالم معنی.

موضوع : روزه (اسلام)

موضوع : رمضان

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/ط۱۸۹ر۱۳۹۳

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۴

شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۵۶۲۸۲

ص : ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ٢

روزه؛ دریچه ای به عالم معنا

اصغر طاهرزاده

۱۳۸۷

ص: ۳

فهرست مطالب

مقدمه. ۷

معنی بستن و بازشدن شیطان.. ۱۲

انتظار ما از روزه. ۱۶

روزه دار شبیه خدا می شود. ۱۷

برکات روزه. ۱۹

روزه، گرسنگی یا بندگی؟. ۲۱

تقویت تقوی.. ۲۲

گرسنگی؛ پذیراییِ مقدّس خدا! ۲۵

روزه؛ خزینه حکمت... ۲۷

روزه؛ دریچه عبادت... ۳۰

ص: ۴

روزه؛ دریچه عبادت... ۳۰

آزادی از وَهْم.. ۳۱

روزه؛ عامل نجات از وَهْم.. ۳۴

حداقلِ غذا، حداکثرِ قدرت... ۳۸

جایگاه دعای سحر. ۴۶

ص: ۵

باسمه تعالی

بحث «روزه؛ دریچه‌ای به عالم معنا» سخنرانی استاد طاهرزاده در جمع دانشجویان تربیت معلم است. این بحث به جهت نوع نگاهی که به روزه و ماه رمضان دارد مورد استقبال زیاد قرار گرفت، و لذا بر آن شدیم تا به صورتی که ملاحظه می‌فرمایید آن را در اختیار علاقمندان به این نوع بحث‌ها قرار دهیم.

خصوصیت این بحث در توجه کردن به روزه است در رابطه با نقشی که روزه در ابعاد باطنی و قلبی انسان ایفاء می‌کند.

سخنران سعی دارد دست روزه‌دار را بگیرد و به کمک تئوری نابی که در روزه‌داری اش اراده می‌کند، او را به لایه‌های باطنی روح و روان و قلبش سیر دهد و راه‌های ظریف خودشناسی را که انسان روزه‌دار می‌تواند طی کند، مقابل او قرار دهد.

می‌گوید: ای انسان! به اندازه‌ای که در روزه‌داری عزم بلند داشته باشی، روزه برای تو ثمره به همراه خواهد آورد و لذا سعی دارد آن

ص: ۷

نوع از عزم های بلندی را که انسان روزه دار می تواند اراده کند، به او متذکر شود.

توجه به روایات و سخنان عرفا در مورد روزه موجب تقویت اراده در روزه داری می گردد، لذا با مطالعه روایات مورد بحث، انسان احساس می کند با روزه داری خود راه های گمشده اش را می تواند بیابد.

پیشنهاد ما این است که سعی شود هر سال قبل از ماه رمضان یک بار این بحث مرور شود تا عزیزان با شعف و شور بیشتری با روزه خود کنار بیایند و اُنس بگیرند.

گروه فرهنگی المیزان

ص: ۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«السلام عليك يا عيد أولياء الله»

سلام بر تو ای رمضان، ای عید دوستان خدا، ای ماه نور و طهارت.

با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، یعنی ماه میهمانی خاص خدا، وقت آن رسیده است که به نفسِ عادت کرده به خوردن بگوییم:

زین

غذاها اندک اندک باز بُر

کین

غذای خر بُود نی قوت حُر

تاغذای اصل

را قابل شوی

لقمه های

نور را آکل شوی

لب فروبند از طعام و از شراب

سوی خوان آسمانی کن شتاب

بهر

لقمه گشت لقمانی گرو

وقت لقمان است،

ای لقمه برو

ما می خواهیم با محبوب حقیقی خود دلدادگی کنیم ولی این لقمه ها ما را از او غافل می کنند، و در این حالت است که احساس غربت از محبوب در ما می میرد و اشک ما - که علامت دوری همراه با شوق است - خشک می شود. لذا گفت:

تو

چه دانی قدر آب دیدگان

عاشق نانی چونادیدگان

گر

تو این انبان زنان خالی کنی

پُر

ز گوهرهای اجلالی کنی

پس اگر انسان طالب گوهرهای جلال حضرت حق است، باید انبان شکم را کمی از نان خالی کند.

تا

تو تاریک و ملول و تیره ای

دان که بادیولعین هم شیره ای

این عدم نشاط در دینداری، ریشه در شکم پُر دارد که منشأ وسوسه شیطان می گردد.

طفل

جان از شیر شیطان باز کن

بعد

از آتش با مَلْکِ اَنْباز کن

چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: معده پُر، چراگاه شیطان است.

با امید به این که در این ماه مبارک رمضان، مرتع چرای شیطان را خشک کنیم و از تحریک های ظلمانی شیطان در جان خود، آزاد شویم، و محکم و جانانه در جهت کشف لقمه های نور و نورانیت قدم بزنیم. چند نکته ای در رابطه با روزه به عرض می رسانیم.

نکته اول این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه شعبانیه یعنی خطبه ای که جهت آمادگی ورود به ماه رمضان بیان

فرمودند، مطالب و اسرار عجیبی را بیان کردند که توجه به سخنان حضرت در ماده شدن قلب برای بیشتر بهره بردن از ماه مبارک رمضان مؤثر است.

ص: ۱۰

حضرت در ابتدای خطبه از فضائل ماه رمضان سخن گفتند، و بعد ما را متوجه وظایف و اعمال خاص این ماه می کنند و در انتها می فرمایند: «ای مردم در این ماه درهای بهشت باز است، از خداوند بخواهید آن را بر شما نبندد، و درهای آتش بسته است از پروردگارتان بخواهید آن را بر شما باز نگرداند، و شیاطین را بسته اند، از پروردگارتان تقاضا کنید که آنها را بر شما مسلط نگرداند.»

«أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتَحَةٌ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُغْلِقَهَا عَلَيْكُمْ، وَابْوَابَ النَّارِ مُغْلَقَةٌ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ، وَالشَّيَاطِينَ مَغْلُوبَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ» (۱).

ملاحظه می فرمایید که همه درهای جهنم بسته است، بکوشید که عملاً این درها را به روی خود باز نکنید، و تمام درهای بهشت باز است بکوشید که این درها را بر خود نبندید، این راه را به رایگان از کف ندهید و برای یک سال خود ره توشه فراهم کنید.

ص: ۱۱

۱- جهت بررسی مفصل خطبه حضرت به بحث «ماه رمضان و نحوه برخورد با آن» مراجعه فرمایید.

معنی بستن و باز شدن شیطان

برای روشن شدن معنای این فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله که شیاطین را می بندند شما به حالات خودتان در روزهای اول ماه مبارک رمضان توجه کنید. در این روزها یک حال خاص و یک آمادگی قلبی خاص در خود احساس می کنید که نباید از این مطلب ساده بگذرید. این یک روحانیت قلبی است که به جهت آن، آماده بندگی خداوند شده اید. اگر به حالات قلبتان دقت کنید این یک آماده شدن برای ارتباط با عالم غیب است تا لطف خداوند بر جانتان ریزش کند. حتی ممکن است خودتان ندانید که الآن قلبتان در چه حالی است، ولی ملاحظه می کنید که این روحانیت قلبی را پیامبر صلی الله علیه و آله به ما خبر داده اند! همیشه این حالت را ندارید و این به یک اعتبار به معنی باز شدن درهای بهشت است. و در این حال می بینید وسوسه شیطان در جانتان فعال نیست، آرمان های معنوی برایتان مطلوب شده است، مگر کار شیطان وسوسه نیست؟ ملاحظه کنید الآن وسوسه های شیطانی تا حدی که خودتان آماده باشید و به دنبال آن نروید، بر قلبتان حکومت نمی کند، در این ماه چنین حالتی را بر قلب هر بنده ای حاکم می کنند و این لطف خداوند است. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله

می فرمایند: مواظب باشید شیطانی را که پروردگارتان بست، باز نکنید، و درهای بهشتی را که باز کرد نبندید!

باز به خودتان رجوع کنید: گاهی ممکن است خدای ناکرده در روزهای آخر ماه مبارک رمضان حالتی برایتان پیش آید که احساس کنید از دست عبادت این ماه خسته شده اید، این حالت یعنی چه؟ یعنی بهشتی که برای ما باز کردند و از آن طریق حالتِ میلِ به بندگی در ما ایجاد شد، با خوب استفاده نکردن از ماه رمضان، آن بهشت را بر روی قلب خود بسته ایم!

باز ملاحظه بفرمایید؛ گاهی مواقع نگران فقر خود نیستید، نگران از این نیستید که نکنند از مال دنیا کم به دست آورم و این گونه اضطراب ها را ندارید این حالت، معنی باز کردن دریچه بهشت به قلب شما است و اگر دیدید این آرامش رشد کرده، بدانید نگذاشته اید دریچه بهشت بسته شود. اگر دیدید بعد از مدتی دوباره حرص به دنیا در شما پدید آمد و دلتان می خواهد فقط دنبال دنیا بدوید و دنیای بیشتر را می خواهید، بدانید در بهشت را به قلبتان بسته اید.

«بهشت»؛ مسیر بنده است به سوی خدا، و این شور و شعفی که امروز نسبت به بندگی خدا در خود حس می کنید اگر پایدارش

ص: ۱۳

کنید فردا در قیامت به صورت بهشت ظهور می کند و به واقع شما را در خود جای می دهد. بهشت و جهنم هر دو از قلب ظهور می کند، پس اگر خواستید ببینید الآن اگر مُردید در چه حالی هستید، یکی از راه هایش این است که به قلبتان نظر کنید و ببینید در چه حالی است، روی هم رفته حالات قلبی شما، مقام شما را نشان می دهد، اگر قلب شما جهنمی شد و به تعبیر قرآن از درون آن جهنم طلوع و ظهور کرده باشد، (۱) غضب، احساس فقر و شهوت بر شما حکومت می کند، و لذا پرده ها که عقب رفت خودتان را در جهنم می بینید. ولی اگر دیدید آرامش، خوش بینی به بندگان خدا، حلم، حیا و عفت، روحتان را سیراب کرده، راه بهشت به روحتان باز شده است، و اگر چنین باشد تلاش کنید، که این راه بسته نشود.

نمی دانم متوجه شده اید یا نه که بیشترین فعالیت شیطان این است تا فیض و برکت های این ماه را از شما بگیرد، اگر توجهی نفرمایید می بینید که عموماً در این ماه اختلافات و دسته بندی ها، وقت کشی ها و شب نشینی های بی محتوی زیاد می شود، شیطان به کمک یاران خود در این ماه اختلاف و فتنه درست می کند، تا

ص: ۱۴

۱- «نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ، الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْآفْتِدَةِ»، سوره همزه، آیات ۶ و ۷.

توفیق مردم را در استفاده از ماه رمضان بگیرد، یا کم کند. کار شیطان در سلب توفیق از انسان در زمان ها و مکان های مقدس، چیز مهمی است. مثلاً اگر آدم بخواهد در خانه نماز بخواند و سوسه های شیطان کمتر است، ولی اگر خواست به مسجد برود و سوسه های شیطانی بیشتر می شود. شیطان وقتی نتوانست ما را از نماز منصرف کند، ما را از نماز بهتر، که همان نماز در مسجد است، محروم می کند، و باز اگر نتوانست، کاری می کند که در مسجد به آن نتیجه نهایی نرسیم. ماه رمضان هم همین طور است درهای جهنم بسته است ولی از یک جهت هم شیطان بیکار نیست و دنبال فرصت است. اگر شما شروع کردید به بدی کردن، و مواظب نبودید که او همواره بسته بماند و سهل انگاری کردید، آن شیطان بسته شده، به سوی شما باز می شود و توفیق بسیار بزرگی را از دست می دهید، و در این صورت خود شما هستید که راه و سوسه شیطان را به قلب خودتان باز کرده اید. (۱)

ص: ۱۵

۱- در روایت داریم؛ شیطانِ عصیانگر بسته می شود ولی شیطان و سوسه گر می ماند. یعنی و سوسه هست ولی روح انسان از آن متأثر نمی شود تا اراده کند تحت تأثیر آن و سوسه آن عمل نماید.

انتظار ما از روزه

اما نکته دوم این که: شما از روزه چه انتظاری دارید؟ می خواهید چه چیزی به دست آورید؟ مطلوبتان از روزه چیست که دنبالش می گردید؟ اول باید مطلوب انسان مشخص شود، چون ما از روزه به اندازه مطلوبمان بهره می گیریم و خداوند به ما بهره می دهد.

مولوی داستان گاوی را نقل می کند که در تمام شهر بغداد گردش کرد و در عین این که با آن همه غذاها و خوراکی های گوناگون روبه رو می شد جز پوست خربزه چیزی نمی دید! چرا؟ چون مطلوب جسم و روح گاو، پوست خربزه است بقیه چیزها از نظر او چیزی نیست. مولوی می گوید:

گاو

را آری به بغداد ناگهان

بگذرد

از این گران تا آن گران

از

همه خوب و خوشی ها و مزه

او

نبیند غیر قشر خربزه

بعد نتیجه می گیرد که:

طالب

هر چیز ای یار رشید

جز همان چیزی که می خواهد

ندید

عمده مطلب همین است که هر کس در هر عرصه ای دنبال مطلوب خود است و جز آن را نمی بیند، حالا در عرصه روزه هم اگر مطلوب ما چیز کمی باشد، از آن حقایق برین روزه که مطلوب

اولیای الهی است محروم خواهیم ماند. پس اول باید روشن شود از ماه رمضان چه انتظاری می توانیم داشته باشیم، اگر انتظارمان کم باشد بهره کمی می گیریم، و اگر همت ما بلند باشد، حقایق عالی نصیب ما می شود. مثل آن گاو که از آن همه چیز فقط پوسته خربزه را می خواست. گندم، هم مغز دارد و هم کاه، باید مطلوب ما فقط کاه نباشد، اگر مغز را بخواهیم کاه هم نصیبمان می شود.

از طریق روزه هم می شود از خداوند دنیای بهتر بخواهیم و هم می شود مطلوبمان وجه حق باشد، یعنی «إِيتِغَاءَ لَوَجْهِ اللَّهِ» روزه بگیریم تا خداوند، خودش را به ما بدهد.

روزه دار شبیه خدا می شود

در حدیث قدسی داریم: «الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أُجْزَى بِهِ»^(۱) می فرماید: روزه از آن من است و خودم هم جزایش هستم. چون در هیچ عبادتی به این اندازه بنده شبیه خدا نمی شود. انسان از طریق روزه داری، ظهوری از غنای حق می گردد، همچنان که خداوند هیچ نیازی به غذا ندارد، روزه دار به نحوی در حدّ خودش شبیه چنین

ص: ۱۷

۱- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ۲، ص ۷۵.

حالتی می شود. اگر حدیث «اَنَا أَجْزَىٰ بِهِ» باشد، یعنی خودم جزایش را می دهم، این هم مژده بزرگی است، یعنی نتیجه روزه و جزای روزه دار را به واسطه ها واگذار نمی کنم و به واقع این هم مقام کمی نیست، چون در هر صورت در این حالت هم کمالات بسیار متعالی را از خدا دریافت می کنید.

شما در روزه، کمی از گرایش به دنیا منصرف می شوید و در نتیجه یک غنای مختصری نسبت به دنیا در شما پدیدار می شود و لذا به یک اعتبار صفتی از صفات عالیای خداوند یعنی صفت «غنی» در قلب شما تجلی می کند و نیازتان به دنیا کم می شود و با خدا مأنوس می گردید. یعنی اگر روزه دار همت خود را بلند کند و در طلب حق باشد، نور حق در صفت غنی در قلبش می تابد و این یک نحوه قرب به حق است.

پس اگر از روزه، نور حق خواستید، همین را به شما می دهند. خودتان را آماده کنید و همت خود را بلند کنید تا از روزه مقام بگیرید، اصلاً طوری شود که مقامتان تغییر کند.

در روایت از امام صادق علیه السلام داریم؛^(۱)

روزه هوس را می‌کشد «فَالصَّوْمُ يُمِيتُ هَوَى النَّفْسِ» یکی از امتیازات مؤمنین وارسته این است که اصلاً گرفتار میل‌های پست نیستند، و روزه چنین هنری را دارد که دردسر هوسرانی را از سر ما بر می‌دارد. بعد ادامه روایت این است: «وَشَهْوَةَ الطَّبْعِ» روزه؛ شهوت و میل‌های سرکش و افراطی طبع و طبیعت و بُعد حیوانی شما را می‌کشد.

«وَفِيهِ حَيَاةُ الْقَلْبِ» و در روزه حیات قلب هست. مگر همه ما نمی‌خواهیم قلبمان بیدار شود و درک و فهممان اوج بگیرد؟ با روزه درک و فهم عوض می‌شود، آن چیزهایی را که مفید نبود و دنبالش بودیم - با بیداری قلب - دیگر نمی‌خواهیم، و آن چیزهایی را که مفید بود و میلی به آنها نداشتیم، اهمیتش در قلبمان روشن می‌شود و مطلوبمان می‌گردد. این جاست که ابزار هدایت را دوست خواهیم داشت نه عوامل ضلالت را. این جاست که وجود عالم غیب و ملائکه و قیامت را به نحوی و تا حدی احساس می‌کنیم. چون وقتی

ص: ۱۹

۱- مصباح الشریعه، باب روزه.

قلب زنده شد، ادراک حقایق عالیه برایش میسر می شود، ادراک بیشتر آن حقایق، بستگی به شدت حیات قلب دارد.

«وَطَهَارَةُ الْجَوَارِحِ» روزه؛ موجب طهارت اعضاء و جوارح می شود، اعضاء بدن شما از کارهای زشت باز می ماند. قلب روزه دار آنچنان اعضایش را در کنترل دارد که آن اعضاء به اعمال ناپاک نمی افتند، دل انسان بر اعضایش حاکم می شود، نه هوس انسان. دیگر چشم، آن چشمی نیست که با قصد گناه، نظر کند و یا به چیزی که توجه به آن گناه است، نظر بیفکند.

«وَعِمَارَةُ الظَّاهِرِ وَالبَّاطِنِ» روزه؛ هم ظاهر را از سنگینی و بد قواره بودن در می آورد، و هم باطن را از میل های ظلمانی آزاد و نورانی می کند، هم باطن متعادل می شود و هم ظاهر تابع باطن می گردد.

«وَزِيَادَةُ التَّضَرُّعِ» روزه؛ زاری و تضرع در پیشگاه پروردگار را می افزاید، قلب آدم از قساوت در می آید و میل به نیایش با حق در آن پیدا می شود. چون اصل جان ما ملکوتی است و از نیستان عالم غیب بریده شده است، «ثُمَّ رَدَدْنَاهُ اَسْفَلَ سَافِلِينَ»^(۱) و بنا به مصلحتی

ص: ۲۰

به عالم ماده و عالم بدن، هبوط کرده، ولی این جایی نیست، حالا با روزه داری، کمی از این منزل دروغین خود فاصله می‌گیری، تازه یاد منزل حقیقی و عالم قرب با حق می‌افتد، و ناله و تضرع سر می‌دهد تا برگشت به آن عالم را برای خود ممکن کند و راهی به سوی آن عالم باز نماید و ثابت کند هنوز دلش در هوای آن نیشنان عالم قرب است.

روزه، گرسنگی یا بندگی؟

مهم این است که ما روزه بگیریم، نه این که فقط گرسنگی بکشیم، روزه یک نحوه صعود روحانی برای انسان است از دریچه بندگی خداوند، ولی گرسنگی یک عمل بدنی است مثل ورزش که یک عمل بدنی است. شما در روزه به یک صعود روحانی نظر دارید منتها از طریق گرسنگی بدن. ولی گاهی ما به جای این که در مغرب افطار کنیم، در مغرب روزه خود را خراب می‌کنیم. فرق است بین افطار کردن روزه و خراب کردن آن. افطار کردن؛ یعنی روزه را شکستن. ولی خراب و باطل کردن روزه، یعنی غذاهایی را که در روز نخورده‌ای در فرصتی که داری، جبران کنی، و در واقع

آن مقاومت و کنترل روحانی را که در طی روز در خودت تقویت کردی از دست بدهی.

تقویت تقوی

شاید اسب های چموش را دیده باشید که چقدر سخت است اگر بخواهیم آنها را از جایی به جایی دیگر ببریم. اگر یک لحظه از کنترل آن ها غفلت کنید از دستتان در رفته است، باید با یک هوشیاری و کنترل دائمی مواظب آن ها باشید، اگر یک لحظه غفلت کنید می بینید سر جای اول برگشته اند، و باز باید از اول کار را شروع کنید. بعضی ها از اول تا آخر ماه رمضان یک روز هم روزه نمی گیرند، چون در جهت اصلاح تدریجی خود نیستند، سی منزل باید این اسب چموش را ببری تا إن شاء الله در منزل سی ام رام بشود. شهوات و نفسانیات نیز همین طور است، اگر سی روز کنترل شوند، آهسته آهسته رام می شوند و زیر فرمان عقل و شریعت قرار می گیرند. حالا اگر در موقع افطار هوس ها را دوباره رها کنی، مثل آن اسب چموشی است که آن را در کنترل خود نیاورده ای و لذا دوباره سر جای اولش برمی گردد. اگر مقاومتی را که در طول یک روز با روزه داری به دست آوردی در هنگام افطار رها کنی از آن

ص: ۲۲

روزه چیزی عایدت نشده است. پس مواظب باشید مقاومت شخصی تان که عبارت است از «تقوی»، در موقع افطار گسسته نشود، چرا که روزه، تقویت قدرت پرهیزکاری است. به همین جهت در آخر آیه ۱۸۳ سوره بقره که مربوط به روزه است، می فرماید: «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» یعنی شاید بتوانید از طریق روزه متقی شوید و قدرت پرهیزکاری بیابید.

به آیه روزه نظر کنید که می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ، لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (۱)

یعنی: ای مؤمنان! بر شما روزه را واجب کردیم، همان طور که بر امت های گذشته واجب نمودیم شاید پرهیزکار شوید، و در نتیجه آن روحیه مقاومت در مقابل هوس ها در شخصیت شما رشد پیدا کند.

ملاحظه کرده اید؛ گاهی اوقات می خواهید کارهای خوب و جدی انجام دهید ولی نمی توانید. چرا؟ چون قدرت پرهیزکاری شما ضعیف است، مدتی که روزه گرفتید کاری را که نمی توانستید انجام

ص: ۲۳

دهید و هوس هایتان مانع می‌شد، حالا همان کار را می‌توانید انجام دهید. بعضی مواقع دیده‌اید که دلتان مرده است، اصلاً معنویت در جانتان خشک شده است، با روزه که «حیات قلب» است دوباره دل زنده می‌شود. مولوی چه خوب می‌گوید:

چشم

بند آن جهان، حلق و دهان

این

دهان بر بند تا بینی عیان

تاهوی

تازه است، ایمان تازه نیست

این دهان

جز قفل آن دروازه نیست

یعنی: تا هوس در صحنه است ایمان تحرک ندارد ولی اگر دهانت را کنترل کردی، دروازه ایمان بر جانت گشوده می‌شود، چرا که اگر دهان کنترل شد، دریچه‌های غیب آهسته آهسته بر جان انسان باز می‌شود. برای کسانی که جایگاه گرسنگی و کنترل دهان را در عمل شناخته‌اند، گرسنگی بسیار خوشمزه است. اگر کسی مزه گرسنگی را چشید از سیری و پر خوری متنفر می‌شود. بیخود نیست که در روایات داریم: خداوند از شکم سیر بدش می‌آید. ما کسانی را می‌شناسیم، از روزی که ریاضتشان را شروع کرده‌اند تا آخر عمر یک روز سیر نبوده‌اند.

ص: ۲۴

گرسنگی؛ پذیرایی مقدس خدا!

در خبر داریم که در زمان یکی از پیامبران گذشته، سه نفر از مؤمنین در مسافرتی در محلی شب گیر شدند، و راه به جایی نبردند، نه محلی برای استراحت و نه قوت و غذایی. بالاخره یکی از آنها گفت، من اینجا یک آشنای دوری دارم می روم شاید بتوانم امشب سربار او شوم. دیگری هم فکر کرد و به یادش آمد یک همکاری اینجا دارد، گفت می روم شاید بشود امشب را مهمان او بشوم. سومی هر چه فکر کرد چیزی به یادش نیامد. گفت: ما هم می رویم مسجد و مهمان خدا می شویم. فردا صبح که آمدند تا سفر را ادامه دهند، آن دو نفر هر کدام از خوبی های طعامی که در شب خوردند و از نوع پذیرایی ها صحبت کردند ولی سومی گفت: حقیقتش ما مهمان خدا شدیم ولی تا صبح گرسنگی کشیدیم. به پیامبر آن زمان ندا رسید برو و به این مؤمن بگو، حقیقتاً ما میزبانی تو را پذیرفتیم، و پذیرفتیم که تو مهمان ما باشی، ولی هر چه گشتیم خورشت و طعامی بهتر از «گرسنگی» نبود که با آن از تو پذیرایی کنیم.

یعنی گرسنگی یک پذیرایی مقدس است و برای همین هم طعام رمضان گرسنگی است و نتیجه این گرسنگی «قرآن» است.

سفره

ص: ۲۵

گرسنگی را پهن می کنند تا قرآن را به قلب ها برسانند، آن وقت آیا می شود گرسنگی را چیزی نگرفت و به سادگی از آن گذشت؟ یکی از عرفا به شاگردش می گوید:

«نفس خود را از چه می ترسانی، می ترسی گرسنه بمانی؟ مترس، زیرا که تو در نزد خدا خوارتر از آنی که تو را گرسنه دارد، خداوند، محمد صلی الله علیه و آله و یارانش را گرسنه داشت.»

بزرگی می گوید: «هرگز نشد سیر شوم و معصیتی مرتکب نشوم و یا قصد معصیت نکنم.»

شاید گمان کنیم ما چنین نیستیم که سیری موجب معصیت برایمان شود، آخر مگر ما قلبمان را می شناسیم؟ آن بزرگانی که این ها را می گویند، لایه لایه تارهای قلبشان را می شناسند. می فهمند کجا و چطوری هستند، دانه دانه نفس هایشان را می توانند تفسیر کنند.

بزرگی می گوید: «اول بدعتی که پس از پیامبر صلی الله علیه و آله حادث شد، سیری بود.» می فرماید: «چون شکم مردمان سیر شد نفس آنها سرکشی کرد و به سوی دنیا متمایل شد.» شما این را بدانید اول چیزی که با گرسنگی مرتفع می شود و شما از دست آن آزاد می شوید «شهوت» است، هم شهوت فَرْج و هم شهوت سخن. در آن

حال، نه میل افراطی به جنس مخالف داریم که همه فکر و ذکرمان را خرج این مسئله کنیم، و نه مایلیم این قدر پرحرفی کنیم. البته این به شرطی است که خودتان متوجه حساسیت این مسأله باشید و طالب آن بشوید، تا انجام آن برایتان آسان شود. شهوت در غذا خوردن این طوری است که گاهی بدنتان نیاز به غذا ندارد و احساس گرسنگی هم نمی کنید ولی مایلید غذا بخورید، این دیگر نیاز نیست، بلکه شهوت است. یکی از کارهای مذموم هم همین است که انسان سیر باشد و غذا بخورد، چرا که در این حال به جای این که نیاز بدنی اش را برآورده باشد شهوت غذا خوردن را تقویت کرده است.

روزه؛ خزینه حکمت

یک وقت هست که به خودتان القاء می کنید چون ما جوانیم میل به جنس مخالف داریم و نیاز طبیعی و ضروری این گونه میل ها را برای خود حس می کنید، این یک «وهم» است. این وهم و توهم و این نیاز القایی و تحمیلی خیالی با گرفتن روزه از رونق می افتد، و جدی نبودنش برای انسان روشن می شود. در همین راستا است که می فرماید: «با گرسنگی، شهوت فرج و شهوت سخن رفع می شود»

ص: ۲۷

هزاران رحمت در همین مطلب آخر نهفته است، چراکه حرف زدنِ افراطی، روح و قلب آدم را نابود می کند.

حرف زیاد، قلب را پریشان می کند و مانع آرامش و حضور قلب می شود آن وقت روزه باعث سکوت می گردد و در نتیجه قلب به تعادل و هوشیاری خود برمی گردد. از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت داریم که: «اگر این زیاده روی شما در صحبت و بی قیدی و اغتشاش دل های شما نبود، حتماً آن چه من می بینم می دیدید و آن چه می شنوم می شنیدید.» ملاحظه کنید پرحرفی چه نعمت بزرگی را از ما می گیرد و چگونه رابطه ما را با عالم غیب و معنی از بین می برد. دیگر این که «شهوَت»، مناجات را مشوّش می کند و باعث می شود شخص، مقصد زندگی را گم کند- پناه به خدا از فراموشی مناجات با خدا- باز در روایت داریم که روزه خواب را کم و بیداری را افزایش می دهد، و معلوم است که زیادی خواب موجب ضایع شدن عمر و سختی دل می شود.

از بزرگان داریم که «گرسنگی کلید در خزانه خداست، به کسی نمی دهد مگر آن که را دوست دارد.» یعنی تا محبت خدا به بنده اش نباشد او را موفق به روزه نمی دارد. اهل دلی می گفت: «زیرکان در دین و دنیا، سودمندتر از گرسنگی ندیده اند، طالب آخرت را چیزی

زیان کار تر از خوردن نباشد.» باز از بزرگان داریم: «علم و حکمت را در گرسنگی نهاده اند و جهل و معصیت را در سیری.» در حدیث از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله هست:

« مَا مَلَأَ آدَمِيَّ وَعَاءٌ شَرًّا مِنْ بَطْنِهِ، بِحَسَبِ بْنِ آدَمَ أَكَلَاتُ يُقْمَنَ صُلْبُهُ، فَإِنْ كَانَ لَا مَحَالَةَ فَتَلْتُ طَعَامٌ وَ تَلْتُ شَرَابٌ وَ تَلْتُ لِنَفْسِهِ» (۱)

یعنی برای آدم هیچ ظرفی به اندازه پُربودن شکمش برایش شرّ نیست، به حسب آدم بودنش نیاز به لقمه هایی دارد که طاقت ادامه زندگی در او باشد، در این حال، ثلث معده اش برای غذا و ثلث آن برای آب و ثلث آن برای نفس کشیدن باشد.

پس ملا-حظه می کنید که طبق سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله یک سوم معده باید از طعام پر شود و نه بیشتر، پس هر کس بیش از این اندازه برای طعام جا باز کند از حسنات خود کم کرده است و در واقع از حسنات خود خورده است. فرموده اند: « اولیاء به گرسنگی و خاموشی و بی خوابی و تنهایی، اولیاء شده اند.» سَرّ همه نیکویی ها میان آسمان و زمین، گرسنگی است و سَرّ همه بدی ها سیری است، هر که نفس خود را گرسنه دارد و سوسه ها از او منقطع می شود.

ص: ۲۹

فرموده اند: «اقبال و توجه خدا به بنده، از گرسنگی و بیماری و بلا می باشد.» حکیمی را پرسیدند، نفس را به چه طریق مهار کنیم؟ گفت: به گرسنگی و تشنگی. و نیز فرموده اند:

«هیچ کس را خدا مصفا نگرداند مگر به گرسنگی، و طی الارض نکردند مگر به گرسنگی، و خدا ایشان را دوست نگرفت مگر به گرسنگی.» ابوطالب مکی می فرماید: «مَثَلُ شَكْمٍ، مَثَلُ طَبْلِ اسْتِ، آواز آن به این خوش است که سبک و تند و تهی باشد، پس چون جوف خالی باشد، تلاوت خوش تر و قیام طولانی تر و خواب اندک باشد.»

از بزرگان داریم که سه کس را خدا دوست دارد: «اندک خُور»، «اندک خواب» و «اندک راحت» را.

روزه؛ دریچه عبادت

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت داریم: «لِكُلِّ شَيْءٍ بَابٌ وَ بَابُ الْعِبَادَةِ الصَّوْمُ» یعنی هر چیزی را دری است و دریچه عبادت روزه است. پس تا کسی وارد روزه داری نشود، به حال و حالت عبادت وارد نشده است. چون عالم عبادت، عالم خاصی است که با فکر و مطالعه به دست نمی آید. این روایت می خواهد بفرماید: تو را با شکم سیر به باغ

عبادت راه نمی دهند. وقتی حالت عبادت در انسان به وجود آمد، احساس می کند در مرکز هستی جای دارد، تمام حرص ها و اضطراب ها از قلب او زدوده می شود، به اصل خود که بندگی خدا است برمی گردد. پس باید متوجه شد روزه وسیله ورود به عالم عبادت است و به تبع روزه است که سایر عبادات ما حالت و روح عبادت به خود می گیرد.

ملاحظه کرده اید اگر در هنگام سحر، زیاد غذا بخورید، درست نتیجه عکس می گیرید، خوابتان زیاد می شود، ذهنتان آن تیزی را که حاصل روزه است به دست نمی آورد و خلاصه از نتایج روزه محروم می شوید! به ما گفتند روزه بگیریید تا به شما ثابت شود با گرسنگی می توانید توانا و محکم شوید، البته شرطش این است که به خود القاء نکنید که چون روزه گرفته ام ضعیف شده ام، بلکه اگر دقت کنید متوجه می شوید بیش از گرسنگی، پرخوری علت ضعف و سستی است.

آزادی از وهم

قدیمی ها قصه ای عبرت آموز دارند، می گویند:

ص: ۳۱

بین یک مار و یک زنبور مکالمه ای صورت گرفت، زنبور ادعا کرد زهر من کشنده تر از زهر تو است ولی چون هیکلم کوچک تر است آدم ها باورشان نمی آید که زهر من می میراند و چون مُردن را به خودشان القاء نمی کنند، زهر من تأثیر واقعی اش را نمی کند و این ترس مردم از هیکل توست که مردم را می کشد و نه زهر تو. بالاخره بنا شد برای اثبات ادعای زنبور برنامه ای ترتیب دهند. قرار بر این شد هر دو بروند در کلون -قفل قدیمی- در باغی کمین کنند تا وقتی که باغبان آمد و انگشت خود را داخل کلون کرد که در را باز کند، روز اول مار انگشت باغبان را نیش بزند و زنبور بیرون بیورد و روز دوم کار را برعکس کنند، همین کار را کردند. در روز اول، باغبان یک مرتبه احساس کرد چیزی دستش را گزید، دستش را بیرون آورد و دید زنبوری پر زد و رفت، یک کمی مقاومت کرده و دستش را مکید و رفت دنبال کارش، پیش خود گفت زنبور بود و چیزی نبود. روز بعد، زنبور نیش زد و مار خودش را از سوراخ نشان داد، باغبان فریاد زد وای! مار دستم را گزید، و بیهوش شد. البته این یک قصه است ولی نکته روانی دقیقی در آن نهفته است.

با بیان این داستان می خواهیم عرض کنیم بعضی ها از ترس گرسنگی می میرند، نه این که گرسنگی آزارشان دهد، بلکه سیری آزارشان می دهد، ولی متوجه نیستند. ماه رمضان فرصت خوبی است تا اگر انسان خودش خودش را با القائنات ذهنی از پا در نیاورد، به انسان ثابت شود چقدر با گرسنگی می توان روح را متعالی کرد. بیایید خوتان را به حداقل غذا عادت دهید، حتی شما جوانان، عصرهای ماه رمضان ورزش کنید، کوه نوردی کنید، تا به شما ثابت شود در اوج گرسنگی بسیار قدرتمندید. به قول مولوی:

قدرت

جبریل از مطبخ نبود

بود

از الطاف خَلَّاقِ وَدُود

همچنین

هم قدرت ابدال حق

هم

ز حق دان، نی زاطعام و طَبَق

یعنی پدیده هر چه مجرّدتر باشد قدرتش بیشتر است، و نفس انسان موجودی است مجرد و متعالی، و لذا قدرتی بی کران دارد ولی چون اسیر بدن است برای ما آن قدرت ظهور ندارد. نمونه این قدرت بی کران را شما در حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می بینید، همه مردم هم عصر آن حضرت متعجب بودند که ایشان با این غذای کم این همه نیرو را از کجا دارد؟ متوجه نبودند که روح انسان از مقام «روح» که نزدیک ترین مخلوق به خدا است تنزل کرده تا به مرحله «مِن روحی» رسیده ولی از اصل خود که حقیقتی است فوق ملائکه

ص: ۳۳

منقطع نشده، و روزه می تواند همین را به شما ثابت کند که می توانید به غیبِ قدرتمند خود وصل شوید.

روزه؛ عامل نجات از وَهْم

اصل روزه یعنی منصرف شدن از دنیا، و متصل شدن به غیب، الا این که شیطان نگذارد. شیطان ما را تحریک می کند تا از اصل مسئله محروم شویم، در کجا؟ در «وَهْم». «وَهْم» چیست؟ دروغِ راست نما! دیده اید بعضی آدم ها از مرده می ترسند. حالا چرا می ترسند؟ می گویند چون مرده است! وقتی زنده بود از او نمی ترسیدند، حالا که مرده است آیا خطرناک تر شده یا از نظر بدنی هیچ شده است؟ قبلاً که زنده بود یک آدم بود، دست و پا داشت، می توانست با ما دعوا کند، حالا که مرده است، هیچ کاری نمی تواند بکند پس چرا از او می ترسی؟ چون هیچی است. از چی می ترسی؟ از هیچی! ملاحظه می کنید که ما در خیال خود یک بُعدی داریم که «هیچی» را برای ما «چیز» می کند و ما را از آن فراری می دهد و از واقعیت دور می کند. حالا اگر بگویند آیا حاضری با این مرده نصف شب توی غسالخانه تا صبح بمانی؟ می گوید نه! چرا؟ چون مرده است. می پرسی؛ آیا مرده است یا زنده؟ می گوید مرده است،

می‌گوییم آیا حاضری تنهایی بدون این مرده در این غسلخانه تا صبح بخوابی؟ می‌گوید: باز هم می‌ترسم اما بهتر از قبل است، حالا اگر بگوییید حاضری با یک نفر آدم زنده، دونفری باهم در غسلخانه تا صبح بمانید؟ می‌گوید این بد نیست. باز تکرار می‌کنیم، حاضری با یک مرده بخوابی؟ می‌گوید نه! این خطرناک است، می‌گوییم حاضری با این مرده بخوابی و نصف شب هم مرده زنده شود و تا صبح با هم صحبت کنید؟ می‌گوید نه، به هیچ وجه، وگرنه من می‌میرم.

ملاحظه کنید این چه بُعدی از انسان است که دارد سر انسان کلاه می‌گذارد؟ آن وَهْم است. شما یک «عقل» دارید و یک «وهم». «عقل»، واقع بین است، ولی «وهم»، واقع بین نیست و هیچی را چیز می‌گیرد. شیطان همیشه روی «وهم» شما کار می‌کند، «هیچی» را «چیز» می‌کند، «چیز» را «هیچی» می‌کند. می‌گوید: اگر با یک آدم زنده دونفری در غسلخانه تا نصف شب بنشینیم صحبت کنیم قابل تحمل است، ولی اگر نصف شب مُرده کنار من در غسلخانه زنده شود، من می‌میرم، در حالی که اگر مرده زنده شود، تازه می‌شود مثل حالت اول که برای قابل تحمل بود که با یک آدم دیگر در غسلخانه بنشینیم و صحبت کنی. ولی «وهم» گوشش به این

حرف های منطقی بدهکار نیست. «وَهُمْ» اگر در روح ما میدان گرفت کار ما را عملاً به جایی می رساند که خواهیم گفت: از خدا کاری نمی آید، اما از حقوق آخر ماه کار می آید. می گوید: اگر حقوقم را ندهند بدبخت می شوم. یعنی چه بدون حقوق بدبخت می شوی؟ یعنی آدم «هیچی» را «چیز» می گیرد، «چیز» را «هیچی» می گیرد. می خواهند روزه بگیرند تا شما این بُعد دروغ ساز را، خلع قدرت کنید، و شیطان نتواند دیگر از طریق «وَهُمْ» شما را به بیراهه بکشاند. در روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله داریم:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيَجْرِي مِنْ بَنِي آدَمَ مَجْرَى الدَّمِ فَصَيِّقُوا مَجَارِيَهُ بِالْجُوعِ»^(۱)

یعنی شیطان مثل خون در بدن شما، در روح شما جاری می شود، از طریق گرسنگی جای او را تنگ کنید. همچنان که حضرت می فرماید: «الْصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ»^(۲)

یعنی روزه موجب سیاه رویی شیطان است و دیگر نمی تواند انسان را تحت تأثیر قرار دهد.

ص: ۳۶

۱- مهجه البيضاء، ج ۲، کتاب اسرارالصيام، ص ۱۲۵ (اکثر روایات موجود در بحث، از کتاب اسرارالصيام مهجه البيضاء و احیاء العلوم باب های آداب اکل و صوم و جوع آورده شده است).

۲- کافی، ج ۱، ص ۶۳.

روزه می خواهد به تو بگوید که «وَهْم» را بکش، این بهترین نتیجه روزه است. آدم می گوید اگر غذا نخورم می میرم. آقا! این گوی و این میدان، آرام آرام شروع کن، شاید ابتدا، باورت نیاید، وسط ماه رمضان به خودت ثابت کن که این طور نیست که غذا و شکم پر، موجب سلامت و قدرت ما باشد.

در شرح حال پیغمبر صلی الله علیه و آله داریم که: آن قدر گرسنگی می کشیدند که روی شکمشان سنگ می گذاشتند و شال روی آن می بستند که به معده شان فشار نیاید. چون اگر معده خالی باشد گرسنگی به معده مقداری فشار می آورد، اگر جدار معده به همدیگر نزدیک بشود، و به هم بچسبد فشار گرسنگی کم می شود. آن وقت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: وقتی عرصه جنگ سخت می شد به پیامبر صلی الله علیه و آله پناه می بردیم. یعنی این هم قدرت آن پیامبری که خود را بیشتر وقت ها گرسنه نگه می داشت. در همین نهج البلاغه هست که پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی در جنگ می خروشیدند، هیچ کس جرأت نمی کرد در چشم های حضرت نگاه کند، از شدت عظمت و خشونت و ابّهت. حتماً شنیده اید؛ در جنگ حنین، تک و تنها ایستادند در حالی که همه فرار کردند. باز داریم که امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام با آن عظمت، وقتی بچه بودند دلشان برای پدرشان یعنی حضرت

امیرالمؤمنین علیه السلام سوخت، نکنند پدرشان مریض بشود که این قدر کم غذا می خورد، در کیسه آرد پدرشان را باز کردند و مقداری روغن را با آردها قاطی کردند که آردها روغنی بشود تا بعداً که نان برای پدرشان می پزند یک کمی هم حضرت روغن خورده باشند، حضرت اعتراض کردند که این چه کاری بود کردید؟

حداقل غذا، حداکثر قدرت

با روزه و با مطالعه زندگی و سیره معصومین علیهم السلام باید به شما ثابت شود که با حداقل غذا حداکثر قدرت را می توانید داشته باشید، به شرطی که داستان آن باغبان و قضیه زنبور و مار فراموش نشود، نگرینی نه این حرف ها بی خودی است، من اگر خیلی غذا نخورم می میرم، آن وقت مطمئن باش واقعاً می میری. شما از روزه و انصراف از غذا، حقایق غیبی طلب کنید تا همان حقایق نصیب شما شود، اصلاً روزه برای همین است. شما موجودی غیر مادی هستید، موجود غیر مادی اگر به ماده نظر داشته باشد به این جهت است که فعلاً منزلش ماده است، من و شما یک موجود غیر مادی هستیم. منزل اصلی موجود غیر مادی کجاست؟ مسلماً منزل اصلی انسان غیب است، شما نظرتان را از این ماده کم کنید خودتان را در عالم غیب

می بینید. شما همه جایی هستید، اما فعلاً نظرتان کجاست؟ به ماده بدن. حالا اگر بخواهید خودتان را در عالم غیب حس کنید باید نظرتان را از ماده کم کنید، شما جنستان از جنس غیب است و لذا خودتان را در عالم غیب حس می کنید. مولوی همین را در اول مثنوی می گوید که:

بشنو

از نی، چون حکایت می کند

از

جدایی ها شکایت می کند

یعنی همه حرف انسان ها وقتی در عمق آن بروی، ناله ای است از این که از آن مقام مجرد غیبی جدا شده اند. حالا روزه کمک می کند که لااقل به آن عالم سری بزنیم.

می فرماید: «روزه؛ صفای دل و فروختگی خاطر و تیزی بصیرت می آورد» بصیرت آدم تیز می شود، چون حجاب ارتباط با حقایق غیبی اش ضعیف می شود. آیا آدم های پرخور را دیده اید که هم عمرشان کوتاه و هم اندیشه شان ضعیف است؟ این یک قاعده است، یک مسئله علمی است، آدم های پرخور هم خیلی زود می میرند، هم آن فرصت رسیدن به تعالی را از دست می دهند و هم کم عقلند. نکته خوبی از بزرگان داریم، می گویند: «سیری، کُندی ذهن و کوری دل می آورد و گرسنگی، نفسانیت و هوس را خوار می کند و دل را با عالم سماوی ربط می دهد.»

ص: ۳۹

فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله هست که می فرمایند:

«حَيُّوا قُلُوبَكُمْ بِقَلْبِهِ الضُّحْكِ وَ طَهَّرُواهَا بِالْجُوعِ، تَصْفُو وَ تَرِقُّ»

قلب هایتان را زنده نگه دارید به کمی خنده و پاک نگه دارید با گرسنگی، تا صاف و رقیق شود.

اشک شب قدر، از گرسنگی طولانی ماه رمضان به دست می آید، دل باید رقیق باشد، دلی که رقیق باشد اشک هم می ریزد، دلی که اشک ریخت یعنی در غیب را دارند برایش باز می کنند، اگر در غیب برایتان باز شد اصلاً حرص دنیا را نمی خورید، ادراکتان عوض می شود و نوع تجزیه و تحلیلتان از حوادث تغییر می کند. امام خمینی «رحمه الله علیه» یک طور انقلاب را می دیدند، رادیوی بی بی سی هم یک طور می بیند. پیغمبر و امام زمان «صلوا الله علیهما» یک جور دنیا را می بینند و مردم معمولی هم یک طور. ان شاء الله خدا با روزه، یک قلب مورد پسند امام زمان عجل الله تعالی فرجه به شما می دهد.

گفته اند: «گرسنگی چون رعد است و قناعت چون ابر و حکمت چون باران.» رعد و برق باران می دهد، حکمت یعنی؛ دقیق اندیشی. می گوید: اگر گرسنگی بکشید و قناعت پیشه کنید حکیم می شوید.

از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که: «مَنْ أَجَاعَ بَطْنَهُ عَظُمَتْ فِكْرَتُهُ وَ فَطَنَ قَلْبُهُ» یعنی: هر کس شکمش را گرسنه نگه دارد فکرش بلند و قلبش بیدار و تیزبین می گردد.

نه این که در افطار آن چه را نخورده است تماماً جبران کند که در این حال مزه دینداری را نمی چشد، آن وقت می گویند چی شد آمدیم توی این دنیا؟ خدا می گوید آمدی توی این دنیا که نورانی و دیندار بشوی، وقتی که آدم منطبق بر دستور شریعت عمل نکند مزه دینداری را نمی چشد و وقتی مزه دینداری را نچشید فلسفه زندگی دنیایی را نخواهد فهمید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر کسی شکمش را گرسنه نگه دارد، فکرش بزرگ می شود و قلبش زیرک می شود» لذا معنی زندگی را می فهمد، گفت:

هر که

غافل گشت از کشت بهار

اوجه

داند قیمت این روزگار

کسی قیمت و ارزش زندگی را در این دنیا خواهد فهمید که فرصت های به کمال رساندن خود را از دست ندهد.

باز روایت داریم: «هر کس سیر بخوابد، قَسِي الْقَلْبِ اسْت.» واقعاً عرض می کنم سحر ماه رمضان خیلی غذای سنگین نخورید، کار زشتی است، نترسید ضعیف و مریض نمی شوید. این شیطان

ص: ۴۱

است که شما را می ترساند . در اول بحث عرض کردیم؛ روایت داریم: شکم پُر چراگاه شیطان است. بیایید غذای سبک بخورید و بعد از غذا نخوایید. با سبک غذا خوردن، خواب بر شما مسلط نمی شود که مجبور شوید بخوایید. یک کمی قدم بزنید، ذهنتان تیز می شود، دعا بخوانید، درس بخوانید. به شما عرض می کنم من مطمئنم اگر مقداری از درس های دینی تان، مثل معارف اسلامی را در ماه رمضان مطالعه بکنید حتماً ثواب قرآن خواندن را هم می برید، البته جمع آنها بهتر است .

مفاتیح را نگاه کنید در اعمال شب بیست و یک و بیست و سوم داریم که: «مَنْ أَحْيَا هَاتَيْنِ اللَّيْلَتَيْنِ بِمِذَاكِرِهِ الْعِلْمِ فَهُوَ أَفْضَلُ» یعنی اگر این دو شب را با مذاکره علمی احیا کنید و بیدار بمانید، افضل است، چون در چنین شب هایی اندیشه و تدبّر در معارف الهی، زمینه ریزش حقایق معنوی را به قلب زیاد می کند، و قلب زمینه پذیرش انوار ملائکه و روح را پیدا خواهد کرد. البته این نکته به آن معنی نیست که از دعاهای این دو شب که راه ارتباط قلب با عالم غیب است، غافل شوید. منظور آن است که جایی برای تقویت معارف هم باز کنید.

علامه طباطبایی «رحمه الله علیه» در جلد آخر المیزان می فرماید: «تَمَّ الْكِتَابُ... فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ الْمُبَارَكَةِ الْثَلَاثَةِ وَالْعِشْرِينَ مِنْ لَيْلَةِ شَهْرِ رَمَضَانَ». یعنی؛ علامه «رحمه الله علیه» در شب قدر تفسیرشان را می نوشتند که در آن شب تمام کرده اند. شما در این ماه رمضان یکی از چیزهایی که إن شاء الله برایتان منشأ برکت می شود این است که کتاب های معارف اسلامی را عمیق بخوانید، قرآن هم بخوانید ولی بدانید شما چون در موضع طلب علم هستید، خود درس خواندن هم برایتان عبادت است، البته اگر برای خدا باشد.

در یکی از سال های جنگ تحمیلی در ماه رجب همراه برادران سپاه پاسداران، خدمت استاد آیت الله حسن حسن زاده آملی «حفظه الله تعالی» رسیدیم، از ایشان سؤال شد که: حاج آقا! کدام یک از اعمال ماه رجب را افضل می دانید که اگر خدا توفیق بدهد انجام دهیم؟ ایشان گفتند: «سریعاً اعمال واجبتان را انجام دهید و بروید کارهای جنگ را بکنید، این کار از همه کارها برای شما واجب تر است.» لذا یکی از کارهایی که در این ماه برای شما مفید است، خوب خوب خوب کار فکری کردن در معارف دینی است تا بتوانید در جنگ فرهنگی

با دشمنان اسلام هم خودتان را تقویت کرده باشید، و هم به بقیه کمک کنید که ضربه نخورند.

حتماً قرآن بخوانید ولی سعی کنید قرآن را بفهمید، در روایت داریم: «أَلَا! لَأَخَيْرَ فِي قِرَاءِهِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ» (۱) یعنی هیچ خیری در خواندنی که در آن تدبّر نباشد، نیست. به جای این که یک سوره را بخوانید و نفهمید، یک آیه را بخوانید و بفهمید. این که گفته اند، اگر قرآن بخوانید این قدر ثواب دارد، یادتان باشد مخاطبان امام علیه السلام در این روایت، مردم عرب زبان بودند که دیگر مشکل فهم قرآن را نداشتند، در حالی که ما فارسی زبانیم و مشکل فهمیدن قرآن داریم. پس ما باید دو کار بکنیم، هم یک سوره را بخوانیم و هم آن را بفهمیم. این که خوب وقت صرف کنیم تا کمی از قرآن را بفهمیم چه اشکالی دارد؟ از اول ماه رمضان تا آخر ماه رمضان یک سوره را خوب بفهمید و بخوانید، این ثوابش حتمی است، اما در این که یک دور قرآن را ختم کنید در حالی که می توانید بفهمید ولی نفهمید باید احتیاط کرد. باید به مردم معمولی بگوییم حتی ظاهر قرآن را بخوانید، یادتان باشد بالاخره خواندن قرآن ثواب دارد، نگاه کردن

ص: ۴۴

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۶.

روی خط قرآن هم ثواب دارد. منتها بی سواد باید روی خط قرآن نگاه کند، اما شما چی؟ شما در موضع تحصیل کرده و طلبه اید. شما باید وظیفه دیگری را بر خودتان حمل کنید، شما باید قرآن را بفهمید، شما می توانید بفهمید، پس باید بفهمید، ولی به هر حال خواندن قرآن به هر صورتش ثواب دارد و اجر می برید.

نکته دیگری که لازم می بینم متذکر شوم، این که در اثر روزه آنچه در خواست های انسان متعالی می شود که خواست خود را با خواست انسان های متعالی یعنی با امامان تا حدی، یکی می یابید. این دعاها، راز و نیاز امامان است با خدای خودشان، ما هم در خود احساس می کنیم که دلمان می خواهد این دعاها را بخوانیم، چون می بینیم بهتر از این نمی شود با خدا سخن گفت. دعاهای این ماه با تزکیه و استمرار، زبان حال و فریاد جان شما می شود، و به مقام اتصال به حق می رسید «إن شاء الله» و اسماء و صفات حق نُقل و نبات قلب شما می گردد.

گفت:

در لقمه چوبستی، ز هر حيله برستی

و گر حرص بنالد بگیریم گری ها

خیلی خوب گفته است، حرص می گوید آخر گرسنه ام، ما نمی شنویم و محلش نمی گذاریم، «وگر حرص بنالد، بگیریم

ص: ۴۵

کری ها». دیده اید وقتی با کسی حرف می زنید، هرچه فرزندتان می گوید بابا، بابا، و مزاحم حرف زدن شما می شود محلس نمی گذارید؟ حالا- می خواهید در ماه رمضان با چه کسی حرف بزنید؟ با خدا، هر چقدر حرص می گوید: آی! من هم هستم، می گویم نیستی، «وگر حرص بنالد بگیریم کری ها». در رابطه با خدا و از طریق روزه این گونه باید بشویم. خدا یا به حق امام زمان علیه السلام ما را از روزه داران قرار بده.

جایگاه دعای سحر

سعی کنید اعمال این ماه را خوب انجام دهید، مثلاً در دعای سحری که از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده؛ شما در این دعا چه می خوانید؟ فقط خدا را. دیده اید؛ آدم کسی را که خیلی دوستش دارد، دلش می خواهد همین طور با او حرف بزند، چرا؟ چون حرف زدن با او برایش مطلوب است، چرا؟ چون دوستش دارد، می خواهد با او حرف بزند، صرف آنس با او برایش هدف است. خداوند یک کلمه در کوه طور از موسی علیه السلام پرسید، این چیست در دست؟ گفت: عصایم است «هِيَ عَصَايَ»، حضرت موسی علیه السلام دید دلش می خواهد باز هم گفتگو را ادامه دهد گفت: «أَتَوَكُّؤًا عَلَيْهَا» به آن

تکیه می‌دهم، دید باز هم دلش می‌خواهد حرف بزند گفت: «أَهْشُ بِهَا عَلَيَّ غَنَمِي» با آن برگ‌ها را برای گوسفندانم می‌ریزم، همچنان دلش می‌خواست چیزی بگوید دید دیگر چیزی ندارد ولی تمایل حرف زدن دارد گفت: «وَلَيْ فِيهَا مِآرِبٌ أُخْرَى» و با آن کارهای دیگر هم می‌کنم، چون از همین مصاحبت با حق لذت می‌برد. در دعای سحر شما از خدا چه می‌خواهید؟ در این دعا، اصلاً چیزی جز ذکر اسماءِ او نمی‌گویید، مصاحبت او را می‌خواهید.

خلاف

طریقت بود اولیاء

تمناً

کنند از خدا جز خدا

می‌گویی: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِإِبْهَاهٍ» خدایا من از تو می‌خواهم به حق آن گران‌قیمت‌ترین وجود و بهائت «بِإِبْهَاهٍ» و آن هم از خوب‌بهایش و «وَكُلُّ بَهَائِكَ بَهِيٌّ» و اصلاً همه خوبی‌ها و الطاف قیمتی تو، قیمتی‌ترین است.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْئَلُكَ مِنْ جَمَالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمَالِكَ جَمِيلٌ». یعنی؛ خدایا از تو می‌خواهم و از جمالت هم می‌خواهم، آن هم از شدیدترین وجه جمالت، در حالی که همه جمالت، شدیدترین است و تو وجه جمال ضعیف نداری.

ص: ۴۷

ملاحظه می کنید همچنان صفات و اسامی و کمالات خداوند را می شماری، می گویی:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ بِعِزَّتِكَ بِأَعْزَاهَا، وَكُلِّ عِزَّتِكَ عَزِيَّةً» خدایا از تو به حقیقت عزّت و به آن عزیزترین اسمائت می خواهم، و بعد می گویی البته همه اسماء تو عزیز و برتر است. یعنی چه؟ ملاحظه می کنی که همین مصاحبت مطلوب تو است. تا آخر دعا، اسماء او را می شماری و از این تکرار اسماء حضرت حق به شعف می آیی و قلبت را محل یاد او قرار می دهی.

به جایی می رسی که در سحرهای ماه رمضان زبان حالت، این می شود که:

من هرچه خوانده ام همه از یاد برده ام

غیر از حدیث دوست که تکرار می کنم

یعنی با تکرار اسماء او، جان را متوجه او می کنی، و آهسته آهسته خود را به او نزدیک می بینی، اول باید نام او را همچنان بر زبان داشت تا آهسته آهسته قلب هم با زبان همراهی کند. داریم که:

دید

مجنون را یکی صحرا نورد

در

میان بادیه بنشسته فرد

صفحه ای

از ریگ و انگشتش قلم

با

صلای دل همی می زد رقم

ص: ۴۸

گفت کای مجنون

شیداچيست اين

می نویسی

نامه، بهر کیست اين

گفت

مشق نام لیلی می کنم

خاطر

خود را تسلّی می دهم

چون

میسر نیست بر من کام او

عشق بازی

می کنم با نام او

آری! «چون میسر نیست بر من کام او» که بتوانم در مقام فناء و اتحاد با او باشم، با به زبان آوردن اسماء مبارک او، قلب خود را به او نزدیک می نمایم.

این اول کار است که باید اسماء او را در سحرهای ماه رمضان صدا کنی ولی می رسی به جایی که از عمق جان خواهی گفت:

هرچیز که دیدم همه بگذاشتی بود

جزیادتوای دوست که آن داشتی بود

باز می آیی جلو و جلو تا جایی که خواهی گفت:

با صد هزار جلوه برون آمدی که من

با صد هزار دیده تماشا کنم تو را

دیگر جز او را در سراسر هستی نخواهی یافت، در همه این اسماء یک چیز را می‌یابی و یک مطلوب را جستجو می‌کنی، تا جایی که این دعاها را مثل یک نسیم می‌شناسی که پرده از رخ محبوب برمی‌دارد تا تو بتوانی با معبود خود بیشتر ارتباط پیدا کنی، گفت:

گر باد نبودی که سر زلف تو برداشت

آن عارض زیبای تو ما را که نمودی؟

ص: ۴۹

و روزه، همان نسیم است که موجب می شود قلب متوجه حق بشود و طالب اُنس با او شود.

به هر صورت نقش دعا و استمرار دعا را در این ماه فراموش نکنید. فرصت فوق العاده ای است که بتوانیم هرچه بیشتر به خدا نزدیک و نسبت به آن مقام اعلی آشنا شویم. خدا می داند شاید هدیه ای بزرگ تر از دعای ابوحمزه ثمالی که مؤمنین در سحر ماه رمضان می خوانند برای روزه دار نباشد، فوق العاده عالی است، اوج ارتباط انسان را با خدا به انسان مرحمت می کند. -اگر نتوانستید هر نیمه شب همه آن را بخوانید، لااقل چندصفحه آن را بخوانید و شب بعد، صفحات بعد را بخوانید.- و بدانید که؛ روزه انسان را تا ملاقات با خدا و رؤیت حق جلو می برد. [\(۱\)](#)

هنوز مایلیم در مورد روزه و نتایج روحانی آن کمی تأکید کنم تا این شاءالله نفس ما، در نزدیکی به حقیقت روزه، هرچه بیشتر موفق شود و از اهداف روزه غافل نشود.

ص: ۵۰

۱- برای ادامه این موضوع می توانید به نوشتار «روزه، دریچه رؤیت» رجوع فرمایید.

امام صادق علیه السلام در کتاب «مصباح الشریعه» در باب روزه می فرماید: شما باید متوجه باشید بیمارِ گناهانتان هستید و مثل یک بیمار که میل خوردن و نوشیدن از او سلب می شود و همچنان منتظر است تا سلامتی اش به او برگردد، شما هم باید قلبتان را متوجه بیماریتان به جهت گناهان و غفلت هایتان بکنید، و نخورید و نیاشامید و همچنان منتظر بمانید تا از مرض گناهان شفا یابید .

«... وَ أَنْزَلَ نَفْسَكَ مَنزِلَهُ الْمَرْضَى، لَا تَسْتَهِي طَعَاماً وَلَا شَرَاباً، مُتَوَقِّعاً فِي كُلِّ لَحْظَةٍ شِفَاءَ كَمَنْ مَرَضَ الذُّنُوبِ»

یعنی در حین روزه داری چنین حالتی به خود بگیرید. روزه، روحیه مقاومت و خویشتن داری را در انسان تقویت می کند و به اصطلاح، انسان زورش به خودش می رسد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الصَّبْرُ نِصْفُ الْإِيمَانِ وَ الصَّوْمُ نِصْفُ الصَّبْرِ»^(۱) یعنی همان طور که پایداری در اعمال دینی، خود نشانه ای از حضور ایمان در قلب است و چنین قلبی به نصف از ایمان دست یافته است و باید ایمان خود را با معارف بیشتر و اخلاق حسنه کامل کند، کسی هم که

ص: ۵۱

۱- مهجۀ البیضاء، ج ۲، ص ۱۲۱، کتاب اسرار الصیام.

وارد روزه داری شود به نصف صبر دست یافته است و منور به مقصداری از ایمان گشته و قلبش در اعمال دینی اش به صحنه آمده است. چرا که ممکن است ما تسلیم دستورات و اخبار دین شده باشیم، ولی قلبمان وارد ادراک و احساس حقایق دین نشده باشد. برای این که قلب وارد چنین میدانی شود، از ابتدا باید بنا را بر این بگذاریم که در دینداری باید پایداری نمود و از این طریق نصف راه را طی کرده ایم. حال اگر وارد روزه داری شدیم، نصف از این میدان صبر را طی خواهیم کرد و خیلی سریع قلبمان وارد ادراک و احساس حقایق دین می شود.

در روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله داریم: خداوند مباحات و افتخار می کند در نزد ملائکه به جهت جوان اهل عبادت، و می فرماید: «ای جوان که به جهت رضایت من شهوت را ترک کردی و جوانیت را خرج بندگی من کردی، منزلت تو نزد من همانند مقام بعضی از ملائکه من است.» یعنی این جوان روحیه ملائکه را پیدا کرده است.

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَاهِي مَلَائِكَتَهُ بِالشَّابِّ الْعَابِدِ، فَيَقُولُ أَيُّهَا الشَّابُّ التَّيَارِكُ شَهْوَتَهُ لِأَجْلِ الْمُؤَدِلِ شَبَابَهُ لِي، أَنْتَ عِنْدِي كَبْعُضِ مَلَائِكَتِي» (۱)

و این مقام کمی نیست که انسان از طریق عبادت و ترک شهوات و میل ها، وارد عالم ملائکه شود، عالمی فوق جسم و جسمانیات و زمین و زمان، چنین جوانی آینده و گذشته برایش چون زمان حال روشن می گردد و دیگر نگران آینده خود نیست.

شما زکات مال را می دهید تا مال پاک شود و بتوانید در آن تصرف کنید و برای شما برکت داشته باشد. روزه، عیناً چنین کاری را با بدن شما می کند، که بدن شما با روزه داری در خدمت شما قرار می گیرد و شما اسیر شهوات آن نخواهید شد و به همین جهت هم در روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله داریم: «وَلِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ» (۲) حالا چنین بدنی در اختیار ما است، نه این که ما در اختیار آن باشیم.

پس به همین جهت است که گفته شده: «زیرکان در دین و دنیا سودمندتر از گرسنگی ندیده اند» و داریم که: «در قیامت عملی

ص: ۵۳

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۳۷، با کمی تفاوت.

۲- کافی، ج ۴، ص ۶۲.

دیده نشود فاضل تر از ترک غذای اضافی.» چنانچه سیره پیامبر و ائمه علیهم السلام را ملاحظه کنید متوجه می شوید که آن عزیزان، زمینه نخوردن ها را برای خودشان بیشتر فراهم می کردند و نه زمینه خوردن ها را.

عرض شد که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داریم که هیچ ظرف پُری برای آدم مثل شکم پر، مضر و پر شرّ نیست. «مَا مَلَأُ آدَمِيَّ وَعَاءً شَرًّا مِنْ بَطْنِهِ» (۱) چون شکم پر، روح را از جهت صلاح به جهت فساد سوق می دهد و انسان دیگر مصالح خود را گم می کند.

اصلاً وقتی نور ایمان بر جان تابید و انسان از ایمان حرارت گرفت دیگر دوست ندارد از پر خوری لذت بگیرد، روح مؤمن زیر بار نمی رود که چون غافلان، سفره دل را در اختیار هوس بگذارد تا هر قدر خواست در آن بریزد.

در روایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله داریم که یکی از نشانه های مؤمن و منافق همین است که منافق جرأت بسیار خوردن دارد و مؤمن نه. حضرت می فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مِعَاءٍ وَاحِدٍ وَالْمُنَافِقُ يَأْكُلُ فِي

ص: ۵۴

سَبَعَهُ أَمْعَاءٍ»^(۱) یعنی؛ مؤمن با یک شکم می خورد و منافق با هفت شکم. وقتی نور ایمان در قلب نیفتد، حرص و شهوت شعله می کشد و خوردن، بهانه برای خاموش کردن این حرص و شهوت می شود، در حالی که با خوردن، حرص و شهوت فرو نخواهد نشست، مثل این است که بخواهیم با دادن هیزم بیشتر به آتش، آتش را سیر کنیم. ولی وقتی نور ایمان در قلب تجلی کرد، اعتنایی به حرص و شهوت نمی کند که بعداً بخواهد با خوردن، آن را اشباع کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أَدِيمُوا قَرَعِ بَابِ الْجَنَّةِ يَفْتِيحَ لَكُمْ» یعنی پیوسته در بهشت را بکوبید تا برای شما باز شود. «قُلْتُ: وَ كَيْفَ نُدِيمُ قَرَعِ بَابِ الْجَنَّةِ؟» پرسیدم: چگونه در بهشت را بکوبیم؟

«قَالَ: بِالْجُوعِ وَالظَّمَا»^(۲)

حضرت فرمودند: با گرسنگی و تشنگی. چون وقتی برای رضای هوس، غذا و نوشیدنی نخورد، روح را از زمین و زمینی بودن آزاد می کند و جهت الهی خود را باز می یابد.

ص: ۵۵

۱- وسائل، ج ۲۴، ص ۲۴۰.

۲- مجموعه وزام، ج ۱، ص ۱۰۱.

در روایت داریم: «إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الْمُتَّخِمُونَ الْمَلَأَ» (۱) مبعوض ترین مردم نزد خدا، آنهایی هستند که معده های پُر دارند تا آن حدی که تُخْمِطَرش - کرده باشند.

فرمود: ترک نکرد بنده خوردن لقمه ای که اشتهای خوردنش را دارد، مگر این که برای او درجه ای در بهشت است. «وَمَا تَرَكَ عَبْدٌ أَكَلَهُ يَسْتَهْبِئُهَا إِلَّا كَانَتْ لَهُ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ» (۲)

یکی از عرفا می گوید: «عبادت؛ پیشه ای است که دکان آن تنهایی است و بهای آن گرسنگی است.» یعنی در جایگاهی خلوت و با حالت گرسنگی انسان می تواند به عالم عبادت دست یابد.

داریم که لقمان به پسرش نصیحت کرد که: «ای پسر، هر گاه که معده ات پر شد، فکرت به خواب می رود و حکمت گنگ می شود، و اعضایت از توانایی برای عبادت باز می ایستد.»

«يَا بُنَيَّ إِذَا امْتَلَأَتِ الْمِعْدَةُ، نَامَتِ الْفِكْرَةُ وَ خَرَسَتِ الْحِكْمَةُ وَ قَعَدَتِ الْأَعْضَاءُ عَنِ الْعِبَادَةِ» (۳)

ص: ۵۶

۱- مجموعه ورام، ج ۱، ص ۱۰۲.

۲- همان.

۳- همان.

به هر صورت ما نمی خواهیم بیش از این وقت عزیزان گرفته شود، ولی لازم است به کتاب های اخلاق در مورد روزه و جوع، رجوع کنید و با مراجعه دائمی به آنها روزه روز اراده خود را در توجه به روزه، تقویت کنید و نگذارید روزه از دستتان برود و از آن نتایج بلندی که می توانید به دست آورید خود را محروم کنید، زیرا رهایی از خود، که حاصل روزه است چیز کمی نیست که بتوانید به آن نظر نداشته باشید، باید از دست خود آزاد شده و اگر از دست خود آزاد شدید، عید آزادی از دست خود، یعنی عید فطر بر شما مبارک باد.

گفت:

رقص آن جاکن

که خود را بشکنی

پنبه

را از ریش شهوت برکنی

رقص

و جولان بر سر میدان کنند

رقص

اندر خون خود مردان کنند

چون رهند

از دست خود دستی زنند

چون جهند از نقص خود رقصی کنند

امیدواریم این سرور و شادی از خود وارستن، به آن انتهای وارستگی برسد و در این ماه به موفقیت کامل دست یابید. إن شاء

الله

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الصَّائِمِينَ لَكَ

اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الْقَائِمِينَ لَكَ

خدایا! در شب های قدر آنچه به اولیاءت مرحمت می فرمایی به فضل و کرمت از ما دریغ مدار.

خدایا! قلب امام زمان عزیز عجل الله تعالی فرجه را از ما راضی و خشنود بگردان.

خدایا! فرج پُربركتش را تسریع بفرما.

خدایا! در شب های پربركت این ماه، ما را موفق به «قیام» و «ذکر» و «قرائت» بگردان.

خدایا! شیطانِ بسته را بر قلب ما باز مگردان و بهشت باز شده را مبنده.

«والسلام علیکم و رحمہاللہ و برکاتہ»

ص: ۵۸

آثار منتشر شده از استاد طاهرزاده

• معرفت النفس و الحشر (ترجمه و تنقیح اسفار جلد ۸ و ۹)

• گزینش تکنولوژی از دریچه بینش توحیدی

• علل تزلزل تمدن غرب

• آشتی با خدا از طریق آشتی باخود راستین

• جوان و انتخاب بزرگ

• ده نکته از معرفت النفس

• ماه رجب، ماه یگانه شدن با خدا

• کربلا، مبارزه با پوچی ها (جلد ۱ و ۲)

• زیارت عاشورا، اتحادی روحانی با امام حسین علیه السلام

• فلسفه حضور تاریخی حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه

• مبانی معرفتی مهدویت

• از برهان تا عرفان (شرح برهان صدیقین و حرکت جوهری)

• جایگاه رزق انسان در هستی

• زیارت آل یس، نظر به مقصد جان هر انسان

• فرهنگ مدرنیته و توهم

• دعای ندبه، زندگی در فردایی نورانی

• معاد؛ بازگشت به جدی ترین زندگی

• بصیرت فاطمه زهرا علیها السلام

• جایگاه و معنی واسطه فیض

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

